

## سخن سردبیر

سپاس خداوند را که شیرازهٔ دفتری دیگر از نشریهٔ «قند پارسی» در سرزمین هند بسته شد و این بار با یاری و همدلی اصحاب عرصهٔ فرهنگ و قلندران مَلک ادب پارسی و پارسایی، دفتری سرشار از معرفت و لبریز از نکات معنوی را به دوستداران فرهنگ مشترک ایران و هند عرضه می‌کنیم.

از پی چند شماره نشریه قند پارسی که اختصاص به موضوعاتی خاص چون «مولانای بلخی» و «بیدل دهلوی» و «نسخ خطی هند» داشت این بار در موضوع «سفرنامه‌های هند» دفتری را تقدیم‌تان می‌کنیم که تنها بخشی کوچک از بی‌شمار سفرنامه‌هایی است که در این روزگار و روزگاران پیش از این به‌نگارش درآمده است و چه فراوان نکته‌های عبرت‌آموز که در لابلای این سطور می‌توان خواند و در آن به‌دیده تأمل و تفکر نگریست و از آن درس‌های آموزنده گرفت.

و پیش از آن‌که در گفتار شویم، تذکار این نکته نیز خالی از لطف نیست که در شماره‌های بعدی نیز موضوعاتی چون ویژه‌نامهٔ «کشمیر و ادب پارسی» و «پارسی‌سرایان هند در یکصد سال اخیر» در دستور کار ماست. باشد که از این رهگذر مقالات و نکات ارزندهٔ تحقیقی شما استادان و پژوهشگران سرزمین هند و ایران و دیگر جای‌ها را زیارت کنیم و شماره‌های آتی «قند پارسی» از رونق و اعتبار والاتری برخوردار باشد.

و تا یادم نرفته بگویم که نخستین شماره مجموعهٔ کتاب «مهندات» نیز که کار مشترک پژوهشی ما و دوستان هند پژوهش‌مان در پژوهشگاه فرهنگ و هنر حوزهٔ هنری ایران است نیز به‌زودی در دسترس علاقه‌مندان زبان و ادب فارسی در هند قرار خواهد گرفت و استادان و دانشجویان زبان فارسی این سرزمین، فرصت بیشتری خواهند

داشت تا از این پژوهش‌ها و مقالات دل و جان خویش را سیراب کنند و با آثار ارزنده خود در این راه یار و همراه و مددکار ما باشند.

این شماره که در پیش روی شماست به‌سفرنامه اختصاص دارد. سفر خود ریشه در قرآن و سنت دارد و چه بسیار پیامبران بزرگ الهی که رسالت‌شان در مهاجرت و کوچ و طی طریق بوده است. نوح چون بر کشتی نشست و طوفانی‌ترین سفر دریایی را آغاز کرد، سلیمان چون بر قالیچه‌اش می‌نشست و در چشم برهم زدنی جهان را می‌پیمود، خضر که در طلب آب حیات سرتاسر کائنات را قدم زد و یونس که به‌قعر دریاها شد و موسی که به‌طور رفت تا خدا را به‌چشم سر ببیند و حکایت ابراهیم در سفر آتش و اسماعیل در سفر عطش و سفر قربانی را حتماً شنیده‌اید و هاجر که خود مهاجر بود و از رگ و ریشه هجرت و سفر بود و سفر که از تشنگی و هروله و سختی ریشه می‌گیرد و محمد<sup>(ص)</sup> که پدرش بازرگانی بود که در پی خرید خرما به‌یثرب آن روز رسید و در همان‌جا به‌دیدار دوست شتافت و باز محمد که در کودکی و جوانی سفر کرد و از جمله سفرهایش رسیدن به‌سدره المنتهی بود و علی<sup>(ع)</sup> که در تمام کارزارهای اسلام حضور داشت و از مدینه تا کوفه حکایت سفرش بود و شبگردی‌هایش در نخلستان‌های کوفه و سر در چاه نهادنش و از آن‌جا سرکشی‌اش به‌خانهٔ یتیم‌کان کوفه، حکایتی است از اندوه انسان مسافر و تنهای دیروز و امروز و همیشه.

و حسین<sup>(ع)</sup> مهاجر مدینه تا مکه و از آن‌جا تا دشت نینوا. مسافر تشنه لب سیراب که به‌جرم گفتن نه به‌جماعتی که دین را برای دنیا می‌خواستند این همه ایستاد و آن همه تشنگی را به‌جان خرید و شهادت داد که شهیدان پیروز واقعی و زندگان همواره‌اند. و از پس این سفر، سفرنامهٔ خیزران آغاز می‌شود و سفر سرهای بریده و کاروان اسیران و راهی دراز که از نی نوا تا شام هجران است و تشنگی است و زخم و کاروانسالارش شیرزنی به‌نام زینب کبری<sup>(س)</sup>.

و حکایت سفرنامهٔ مردان بزرگی که راهی شدن و رود شدن و به‌دریا رسیدن را از این بزرگان آموختند. و آموختند که سفر همواره با سختی‌ها و دردها و نداری‌ها و رنج‌ها توأم است. ناصر خسرو قبادیانی را در بصره ببینید که از شدت سختی سفر آنگاه که خورجین کتابش را نیز می‌فروشد تا بتواند به‌گرمابه‌ای برود، از شدت رنج سفر و

ژولیدگی او را به گرمابه نیز راه نمی دهند و کودکان به خیال آن که دیوانه‌ای است با سنگ نوازشش می کنند و اینها همه عبرت است برای من و تو و ما.

سفرنامه ابن بطوطه در هند را بخوانید و آن همه برادرکشی و پسرکشی و پدرکشی را در میان پادشاهان همین دهلی ببینید و قلعه‌های نیمه ویرانی که تا هنوز هست و در پای هر سنگفرشش خون شاهی و شاهزاده‌ای و امیری ریخته شده است. یک روز در همین دهلی و در زمان محمد شاه تغلق ۹ تن را به جرم نخواندن نماز سر می‌بُرند و امروز روز اگر کسی در گوشه خیابانی به نماز بایستد شاید بسیاری از رهگذران او را ریشخند نیز کنند. اینها را باید خواند و با عبرت در آن نگرست و تفکر کرد.

اینها همه خواندنی است. چه سفرنامه جوانی دانشجو از هند به ایران و چه سفرنامه شاعری از ایران که با زبانی طنز و گاه به شوخی متنی نوشته است از پس این کلمات واقعیت‌هایی خود را می‌نمایاند که اگر برای امروزیان حتی، چندان دلنشین نباشد، فرداییان به ظرافتش آفرین خواهند گفت.

و از این میان سهم نثر و شعر و ادبیات را نیز نادیده نگیریم که در سفرنامه تنی چند از شاعران ایران به‌هند در همین دفتر نمونه‌های عالی و شگفت نثر امروز ایران را می‌توان مشاهده کرد. و در نثر دیروزیانی چون علی میرزا مفتون و دیگران نیز چه مقدار زیبایی نثر فارسی را در روزگاری نه چندان دور می‌توان به تماشا نشست. دریغا که رفتند آن نازنینان!

این دفتر هرچه هست نتیجه یک کار جمعی و یک همکاری صمیمی است. به‌شهادت نام‌ها و کارهایی که در این دفتر ثبت است این نشریه می‌تواند شکوفاتر از این باشد و طی این مسیر بی‌همراهی یاران یکدل و هم‌زبان‌مان کاری است صعب. باشد که در آینده‌ای نزدیک قدم‌هایی استوارتری برداریم و یادمان باشد که میراثداران چه بزرگانی بوده‌ایم و به پاسداری از آن فرهنگ باشکوه سفری نیز در خویش کنیم و به‌روزهای آفتابی‌تری برگردیم.

و السلام

علی‌رضا قزوه

خرداد ماه ۱۳۸۸ - دهلی‌نو